



تحلیل محتوای مناجات نامه خواجه عبدالله انصاری با تأکید بر پیام‌های فرهنگی و اخلاقی

امین شریف منش^۱

کارشناس ارشد مدیریت فرهنگی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)

علی رشید پور^۲ (نویسنده مسئول)

دانشیار گروه مدیریت فرهنگی، دانشکده‌ی مدیریت دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.

تاریخ دریافت: ۹۹/۴/۱۲ تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۱/۲۰

چکیده

خواجه عبدالله انصاری، یکی از عالمان و عارفان صوفی مسلک و از نوایغ ادبیات ایران است. آثار بی‌نظیر وی، این شخصیت را به یکی از چهره‌های مهم فرهنگی تبدیل کرده است. این اثر به رغم شخصی بودن، ذیل کتاب‌های معرفتی قرار دارد و دارای ریشه‌های اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی است. در این مقاله با به کارگیری روش تحلیل محتوای کیفی، پس از خوانش تمام متن، به تفسیر و تحلیل

^۱ . Amin.sharifmanesh@gmail.com

^۲ . alirashidpoor94@gmail.com

محتوای مناجات نامه‌ی حواجه عبدالله انصاری پرداخته شد؛ سپس در فرآیندی نظام‌مند، مقوله‌ها و تم‌های اصلی از متن مناجات نامه استخراج شد. محتوای مناجات نامه در دو بخش پیام‌های اخلاقی و فرهنگی تحلیل شد. تحلیل یافته‌ها آشکار ساخت که حواجه عبدالله انصاری پیام‌های فرهنگی را در قالب ۶ تم اصلی شامل: نگرش همدلانه و مسالمت آمیز با دیگری، تأکید بر آگاهی و خردمندی، مذمت اندیشه‌ی ماتریالیسم، امید به زندگی و وصال خداوند، تأکید بر بردباری و تاب‌آوری، تأکید بر بی‌نامی و گریز از قدرت مطرح می‌سازد. پیام‌های اخلاقی نیز در قالب ۶ تم شامل: تأکید بر خودشناسی و خداشناسی، توکل به خداوند، تأکید بر توبه پذیر بودن خداوند، اندیشه‌ی در مرکز بودگی خداوند، مذمت ریا و دورویی، ملالت و سرزنش پیروی کنندگان از هوای نفس، مطرح شد.

کلیدواژه‌ها: مناجات نامه، پیام، پیام فرهنگی، پیام اخلاقی، سیره‌ی عملی زندگی

۱- مقدمه

در اوایل دوران مدرن، ادبیات یکی از گفتمان‌های^۳ بنیادی در فرهنگ عمومی بوده است (بری، ۱۹۹۵: ۶۹). در کشور ما، ادبیات دره‌متنیدگی قابل توجهی را با فرهنگ و اخلاق دارد؛ و همواره ادبیات به عنوان آئینه تمام‌نمایی، مجرای برای بازتاب فرهنگ و اخلاق در جامعه بوده است.

یکی از عمده‌ترین مشکلات بشر در عصر کنونی، بی‌توجهی به اصول اخلاقی و ارزش‌های انسانی است که هر روز بیشتر از پیش، برخی از انسان‌های عصر حاضر را به سمت فساد و تباهی سوق می‌دهد (ابراهیمیان و علیزاده گنجی، ۱۳۹۵). عصر پست مدرن، عصر بی‌بنیادی، در هم - شکستن روایت‌های کلان و چهل تیکه شدن دنیا و هویت‌های در هم شکسته و نامنسجم و جولان گفتمان مصرف‌گرایانه و... توصیف گردیده است. این عصر، عصر بحران‌هاست (مهدیزاده و یوسفی فر ۱۳۸۳: ۲۵۰). در کشور ما نیز، مسائل فرهنگی و اخلاقی به عنوان امری اجتناب‌ناپذیر، همواره یکی از دغدغه‌های نهادها و سازمان‌های مختلف از نظام‌های آموزشی گرفته تا ارگان‌ها و نهادهای دولتی و خصوصی و... بوده است؛ اهمیت این امر به حدی است که

^۳.discussion

^۴.Barry

سیاست های کلان کشور را نیز درگیر کرده است و در سند چشم انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران که برنامه ی آن تا سال ۱۴۰۴ تدوین شده است؛ مقتضیات فرهنگی و اتکاء به اصول اخلاقی در اولویت قرار داده شده و در بند هفتم این سند، اشاره صریحی به «سالم سازی فضای فرهنگی، رشد آگاهی ها و فضایل اخلاقی و اهتمام به امر به معروف و نهی از منکر» شده است (سند چشم انداز توسعه، ۱۳۸۴).

در جامعه ای که به فرهنگ، اخلاق و کارآمدی آن توجه شود، آن جامعه در مسیر تکامل و تعالی قرار خواهد گرفت؛ این درحالی است که در کشور ما علی رغم توجهات گسترده به این مساله و گسترش رشته های دانشگاهی مربوطه، همواره شاهد انباشت مشکلاتی بوده ایم که به دلیل فقر فرهنگی و اخلاقی در جامعه صورت گرفته است؛ همین امر نشان از ضعف و نارسایی در ارائه ی الگوهای فرهنگی و اخلاقی، عدم کارایی سازمان های مربوطه و ابهام و عدم تصریح در الگوها دارد. بنابراین ارائه ی پاسخ مناسب به ابهامات و مطرح سازی الگوهای که بتواند پاسخ گوی این نیاز اساسی باشد، جزء ملزومات برنامه ریزی های کشوری، چه در سطح خرد و چه در سطح کلان می باشد.

مناجات نامه اثری است که با کشف و شناسایی معنا و مضامین آن، فرصتی را فراهم می آورد تا با نگرستن به آن چه هست و آن چه باید باشد، تأملی در اصول فرهنگی و اخلاقی صورت گیرد و با ارائه ی انگاره های اخلاقی و فرهنگی، تسهیل گری در مسیر مهندسی فرهنگی باشد. بنابراین هدف در این مقاله تحلیل محتوای مناجات نامه خواجه عبدالله انصاری می باشد که با تأکید بر پیام های فرهنگی و اخلاقی در سیره ی عملی زندگی صورت می پذیرد.

۲-۱- اهداف تحقیق

-تحلیل محتوای مناجات نامه خواجه عبدالله انصاری با تأکید بر پیام های فرهنگی در راستای سیره ی عملی زندگی

-تحلیل محتوای مناجات‌نامه خواجه عبدالله انصاری با تأکید بر پیامهای اخلاقی در راستای سیره-
ی عملی زندگی

۳-۱- پیشینه‌ی پژوهش

کرمی (۱۳۹۶) به **مطالعه‌ی تطبیقی مناجات خواجه عبدالله انصاری و فغان‌نامه گراگوار ناركاتسکی** پرداخته است. یافته‌ها نشان داد که محتوای کتاب مناجات‌نامه خواجه عبدالله را می‌توان بر سه گونه: عرفانی، حکمی و تعلیمی دانست. مهم‌ترین مباحث این رساله عبارت از: توحید، آفرینش، تجلی ذات و صفات، عشق و عنایت، ابلیس و موضوع تقدیر، علم و عمل، ذم کرامت و... است.

جلالت و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان **بررسی محتوایی و بلاغی مناجات‌نامه خواجه عبدالله انصاری و الهی‌نامه حسن زاده آملی** به تشابهات و تفاوت‌های مناجات‌های عبدالله انصاری عارف قرن پنجم و حسن زاده آملی عارف معاصر پرداخته‌اند. یافته‌ها نشان داد در تشابهات محتوایی، هر دو عارف توجه فراوان به نفس و احوال نفسانی، شیطان‌شناسی و گریز از او، خودشناسی، اعتراف به نادانی خود، توجه به زهد و دوری دنیا، شکر و سپاس‌گذاری از خداوند داشته‌اند.

بیرانوند و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان **فقر و غنا از دیدگاه عرفانی خواجه عبدالله انصاری و مولانا** به مطالعه فقر و غنا از دیدگاه خواجه عبدالله انصاری پرداخته‌اند. یافته‌ها نشان داد خواجه عبدالله فقر را سه قسم دانسته است: ۱- فقر اضطرار ۲- فقر اختیار ۳- فقر تحقیق. وی همچنین به غنای خوی و غنای دل اشاره دارد که غنای خوی با آراستگی به صفات خرسندی، خوشنودی و جوانمردی حاصل می‌شود و در غنای دل، سالک به یاری خداوند، خود را از هر سببی جز خداوند بی‌نیاز می‌داند و به هیچ سببی از اسباب دنیایی تعلق خاطر ندارد.

موسوی فراز (۱۳۹۴) در مطالعه‌ی با عنوان **مقایسه دیدگاه خواجه عبدالله انصاری و بندیک قدیس درباره‌ی زهد و گناه**، به مقایسه‌ی کتاب منازل السائرین خواجه عبدالله

انصاری و کتاب قواعد بندیک پرداخته است. یافته‌ها نشان داد آراء بندیک و خواجه در موارد بسیاری یکسان و شبیه هستند. دوری از دنیا و مظاهر آن در رهبانیت و به خصوص در مکتب بندیکت یک اصل است؛ خواجه عبدالله نیز در باب‌های زهد، فقر، دل بستگی به دنیا را نکوهش کرده است. بندیک نظر منفی مطلق به دنیا دارد اما خواجه عبدالله دنیا زدگی را مخالف آرمان های عرفان می‌داند. دستورات خواجه و بندیکت در زمینه زهد و ترک گناه در یک راستاست و علت این همسویی سرچشمه گرفتن آن‌ها از دو دین الهی اسلام و مسیحیت است که براساس فطرت انسان تشریح شده‌اند.

عقدایی (۱۳۹۳) پژوهشی با عنوان **تعامل زبان و معنا در رساله محبت نامه‌ی خواجه عبدالله انصاری** را به انجام رساند و یافته‌ها نشان داد که خواجه عبدالله در این رساله محبت را در مرکز اندیشه خویش قرار داده و با مطرح کردن ملازمات و ملایمات آن، زوایای گوناگون و روان‌شناسانه محبت را بررسی کرده است. از نظر خواجه عبدالله این گوهر گران‌بها، بن بخشش هستی و مؤلفه اصلی حیات پیش از خلق انسان، به مثابه عنصری لازم برای تکامل او ایجاد شده است.

۳- روش تحقیق

در این پژوهش از روش تحلیل محتوای کیفی استفاده شده است. تحلیل محتوای کیفی یکی از روش‌های رایج در تحقیقات اجتماعی است که با به کارگیری آن می‌توان به فهم معنای نهفته در درون پیام (متن، تصویر، فیلم، سخنرانی و...) دست یافت. این روش تحقیق، ابزاری متداول و هدفمند را فراهم می‌کند، تا استنتاجی معتبر از داده‌های کلامی، بصری یا کتبی، به منظور توصیف و اندازه‌گیری پدیده‌های خاص صورت گیرد (بنگستن^۵، ۲۰۱۶: ۹). هدف تحلیل محتوا کاهش پیچیدگی‌های داده‌های کیفی و متنی است تا بتوان آن را راحت‌تر و با قابلیت اطمینان

^۵. Bengtsson

درک و الگوها را در چنین داده‌های شناسایی کرد (دوولی^۶، ۲۰۱۶: ۲۴۴). این روش، تکنیک جمع‌آوری و سازمان‌دهی داده‌هایی متنوع است که شامل کدگذاری اطلاعات^۷ به گروه‌های مختلف، براساس معیارهای انتخاب شده است (گاتری و همکاران، ۲۰۰۴ به نقل از سولداتنکو و بیکر^۸، ۲۰۱۸: ۱۲۴). استفاده از روش تحلیل محتوا برای ایجاد یک مدل برای تشریح و توصیف پدیده‌ها در یک صورت مفهومی است که این فرآیندها در سه مرحله اصلی شامل: آماده-سازی^۹، سازماندهی^{۱۰} و ارائه گزارش^{۱۱} ارائه می‌شوند (ایلو و کینگز^{۱۲}، ۲۰۰۸: ۱۰۷). در این پژوهش پس از مطالعه عمیق و خط به خط مناجات نامه، به استخراج مضامینی که حاوی پیام-های اخلاقی و فرهنگی بود، پرداخته شد سپس با تشخیص تمایز و تشابه، مضامینی که از نظر معنای به یکدیگر شبیه بودند در هم ادغام شد، و به هر بخش یک مقوله و یا کد اختصاص داده شد که در این مرحله، کدگذاری اولیه صورت گرفت؛ در مرحله بعد که سطح بالاتری از انتزاع و تفسیر را داشت، مقولاتی که در مرحله قبل به دست آمد زیر یک مقوله اصلی به نام تم یا کدهای اصلی جمع‌آوری شد و مقوله‌های پنهان مناجات نامه به درستی آشکار شد.

۴- تحلیل و تفسیر مناجات نامه خواجه عبدالله انصاری

۴-۱- تحلیل پیام‌های فرهنگی مناجات نامه

۴-۱-۱- نگاه همدلانه و مسالمت آمیز با دیگری

همدلی به مثابه‌ی یک ارزش انسانی، عاملی اساسی در شکل دهی به روابط اجتماعی است. زمانی که افراد در قالب نگاه همدلانه روابط خود را سازماندهی می‌کنند، عرصه‌ای برای ایجاد مشارکت و اعتماد اجتماعی افراد با یکدیگر فراهم می‌شود که به تسهیل در کنش اجتماعی منجر می‌شود؛ همچنین این نگاه سبب می‌شود که افراد در یک جامعه بتوانند به راحتی با تفاوت‌های

^۶.Dooley

^۷.Coding information

^۸.Soldatenko & Backer

^۹.preparation

^{۱۰}.Organizing

^{۱۱}.reporting

فرهنگی کنار بیایند و در برخورد با دیگران، روابط مسالمت آمیزی داشته و حقوق سایر افراد را محترم شمرند. در جوامعی مانند جامعه ایران که دارای تنوع فرهنگی، قومی و زبانی است، انتقال این پیام مهم به نسل ها و آگاهی سازی آنان، به عنوان یک الزام محسوب می شود. خواجه عبدالله در سر آغاز کتاب خود با سخن پردازی های نغز و پرمغز در نكوهش بزرگ بینی، غرور، تکبر و تأکید بر محبت این مسئله را به ما گوشزد می کند.

عیب است بزرگ بر کشیدن خود را وز جمله ی خلق برگزیدن خود را
از مردمک دیده بیاید آموخت دیدن همه کس را و ندیدن خود را
(انصاری، ۱۳۷۱: ۱۵)

« الهی! در دل های ما جز تخم محبت مکار و بر این ها جز الطاف و مرحمت مدار (انصاری ، ۱۳۶۴: ۳۴)»

۲-۱-۴- تأکید بر خردمندی و آگاهی

یکی از دلایل غنای مناجات نامه فراهم آوردن بستری برای فکری سازی است که با توقف بر آن، نکات بکر و نابی از آن استخراج می شود. تأکید بر خردمندی و آگاهی یکی دیگر از مهم ترین پیام های استخراج شده از مناجات نامه بود که خواجه عبدالله در قالب عبارات مختلف به این پیام اشاره دارد. آگاهی و خردمندی پیامی است که همواره در رأس تعالیم دینی بوده است. انسان با آگاهی خود، می تواند طرح عالم را در اندازد و آگاهی به عنوان یک محرک، جامعه را به سمت پیشرفت و توسعه می کشاند و بالعکس عدم آگاهی می توان یک جامعه را برای مدت مدیدی فارغ از هرگونه پیشرفت نگه دارد. خواجه عبدالله در ضمن تأکید بر خردمندی و آگاهی، به شکل دهی به جهان بینی نیز اشاره دارد. جهان بینی نوع نگرش ما به هستی و تمام سازوکارهای ذهنی ما را در برخورد با محیط اطراف شکل می دهد که شناخت صحیح از آن، امکان دستیابی به مسیر درست زندگی را فراهم کند.

یارب دل پاک و جان آگاهم ده آه شب و گریه سحرگاهم ده

(انصاری، ۱۳۶۴: ۲۲)

بنگر بکجائی، ز کجا آمده‌ای میدان که چه میکنی، کجا خواهی رفت

(انصاری، ۱۳۷۱: ۱۵)

«الهی! بنده را از سه آفت نگاه دار، از وسواس شیطانی و از هوای نفسانی و از غرور نادانی (انصاری، ۱۳۷۱: ۹۳)».

«الهی دانایی ده که در راه نیفتیم، و بینایی ده که در چاه نیفتیم (انصاری، ۱۳۷۱: ۳۲)»

۳-۱-۲- مذمت اندیشه‌ی ماتریالیسم

بیزاری از دنیا پرستی و نداشتن تعلقات مادی مقوله‌ای است که خواجه عبدالله در بخش‌های مختلف مناجات نامه به آن اشاره داشته است. این اندیشه درست در مقابل اندیشه‌ی ماتریالیسم است که برای امور مادی اهمیت زیادی قائل بودند.

«الهی! اگر از دنیا نصیبی است به بیگانگان دادم و اگر از عقبی مرا ذخیره‌ای است به مؤمنان دادم، در دنیا مرا یاد تو بس و در عقبی مرا دیدار تو بس (انصاری، ۱۳۷۱: ۲۸)».

«الهی کار آن دارد که باتو کاری دارد، یار آن دارد که باتو یاری دارد (انصاری، ۱۳۶۴: ۲۶)»

۴-۱-۴- تأکید بر امید به زندگی و امید به وصال خداوند

امید وصال به خداوند یکی دیگر از مقوله‌های استخراج شده از یافته‌های پژوهش بود. این مقوله که در تمامی املاءهای خواجه موج می‌زند؛ در بردارنده‌ی اندیشه‌ای است که به زندگی انگیزه می‌بخشد. زمانی که انسان احساس فراق می‌کند و در پی وصال باشد، این احساس معنای تازه‌ای به زندگی می‌بخشد. در همین جاست که زندگی یک درون و محتوای می‌یابد. بنابراین انسان زندگی را در ظاهر گذرای آن نمی‌بیند و زندگی را خلاصه‌ای از خوردن و خوابیدن‌ها نمی‌پندراد بلکه زندگی را دارای باطنی می‌داند که با وصال به معشوق به دست خواهد آمد. زمانی که انسان در امید به وصال خداوندگار باشد، صورت زندگی، معنای تازه‌ای می‌یابد و حتی مردن و پیرتر شدن به معنای جوان‌تر شدن انسان است؛ زیرا انسان به وصال معشوق خود (خداوند) نزدیک‌تر می‌شود. بنابراین افراد با امیدواری به سوی اهداف و آمال‌شان سوق داده می‌شوند.

غم کی خورد آنکه شادمانیش توئی یا کی مُرد او که زندگانش توئی

(انصاری، ۱۳۶۴: ۶۰)

خداوندا! نثار دل من امید دیدار تست بهار جان من مرغزار وصال تست

(انصاری، ۱۳۷۱: ۲۶)

«الهی! هر کس را امیدی، و امید رهی دیدار، رهی را بی دیدار نه به مزد حاجت است که با بهشت کار، مرا تا باشد این درد نهانی، تو را جویم که درمانم تو دانی (انصاری، ۱۳۷۱: ۲۶)»

۵-۱-۴- تأکید بر بردباری و تاب آوری

یکی دیگر از اندیشه‌های بدیع مطرح شده در مناجات نامه توجه به صبر و مقام رضا است که خواجه عبدالله در بخش های مختلف این کتاب به آن اشاره داشته است. یکی دیگر از پیام های فرهنگی محسوس در مناجات نامه، تأکید بر تاب آوری است. تاب آوری و صبر عامل مصونیت انسان از ناامیدی و ناسپاسی است و از جمله مفاهیمی است که در قرآن کریم و احادیث همواره بر آن تأکید شده است. صبر و تاب آوری در برابر مشکلات زندگی باعث دور شدن واکنش های عصبی و هیجانی در انسان می شود. بنابراین انسان امروز که در دنیای مدرنیته و سلطه تکنولوژی با هجمه های روانی و فشارهای عصبی مختلف روبرو است، با داشتن این خصیصه می تواند با بسیاری از ناملایمات و بی تابی ها کنار بیاید. خواجه عبدالله در این کتاب در قالب این عبارات ارزشمند، این پیام را به ما یادآوری می کند.

«الهی! تو دوستان را به دشمنان می نمایی، درویشان را غم و اندوه دهی، بیمار کنی و خود بیمارستان کنی، درمانده کنی و خود درمان کنی! از خاک آدم کنی، سعادتش بر سر دیوان کنی و به فردوس او را مهمان کنی، مجلسش روضه رضوان کنی، ناخوردن گندم با وی پیمان کنی و خوردن آن را در علم غیب پنهان کنی، آنگه او را به زندان کنی و سال ها گریان کنی، جباری تو کار جباران کنی، خداوندی کار خداوندان کنی، تو عتاب و جنگ همه با دوستان کنی (انصاری

، ۱۳۶۴: ۲۵)»

«الهی! گر زارم، در تو زاریدن خوشست، و ر نازم به تو نازیدن خوشست. الهی! شاد بدانم که بر درگاه تو می‌زارم، بر آن امید که روزی در میدان فضل به تو نازم، تو من واپذیری و من با تو پردازم، یک نظر در من نگری، دو گیتی به آب اندازم (انصاری، ۱۳۷۱: ۱۹)»

گر درد دهد به ما و گر راحت دوست
از دوست هر آن چیز که آید نیکوست
ما را نبود نظر بخوبی و بدی
مقصود رضای او و خشنودی اوست

(انصاری، ۱۳۶۴: ۳۶)

پیوسته دلم دم از رضای تو زند
جان در تن من نفس برای تو زند

(انصاری، ۱۳۶۴: ۳۶)»

۶-۱-۴- مذمت تزویر و ریا و بیزاری از نگاه معامله‌گران و فایده‌گرا

خواجه عبدالله در مناجات عاشقانه‌ی خود اشاره دارد که هیچ دلیلی به غیر از خداوند، برای پرستش او وجود ندارد و کسانی را که برای رسیدن به بهشت، به عبادت خداوند می‌پردازند را به سخره می‌گیرند و آنان را مزدوران بهشت می‌نامد.

«الهی من چه دانستم که مزدور اوست که بهشتِ باقی او را حظ است و عارف اوست که در آرزوی یک لحظه است، من چه دانستم که مزدور در آرزوی حور و قصور است و عارف در بحر عیان غرقه ی نور است (انصاری، ۱۳۷۱: ۲۳)»

«من چه دانستم که مزدور است کسی کو بهشت رأس المال است و عارف اوست که در آرزوی یک لحظه وصال است، من چه دانستم که حیرت به وصال تو طریق است و ترا بیش جوید که در تو غریق است. الهی! یادت چون کنم که من خود همه یادم، من خرمن نشان خویش فرا باد دادم (انصاری، ۱۳۷۱: ۲۳)»

«الهی! فاسقان زشتند، زاهدان مزدور بهشتند (انصاری، ۱۳۷۱: ۱۱۱)»

۷-۱-۴- تأکید بر گریز از شهرت طلبی و قدرت طلبی

شهرت طلبی و دست یابی به قدرت یکی از ویژگی های است که هر فرد آرزوی دست یابی به آن را دارد، با این وجود رسیدن به آن با جاه طلبی ها و زیاده خواهی های همراه است که می تواند به عنوان یک آسیب محسوب شود. زمانی که افراد در پی قدرت باشد نیازمند حذف رقبای خود در تمامی عرصه ها خواهند بود و این گونه افراد برای دست یابی به این هدف از هیچ امری واگذار نمی شوند؛ این مسئله به وضوح در کشور ما به عنوان یک معضل آشکار است. به گونه ای که افراد مختلفی به قیمت دست یابی به قدرت و منافع شخصی همواره حقوق یک ملت را پایمال می کنند. به طور مثال فسادهای مالی در کشور ما یک نمونه بارز از این وضعیت است. در حالی که خواجه عبدالله در این پیام با اشاره به دام بودن دنیا به این مسئله اشاره نموده است.

«دانی که زندگی خوش کدام است، آن کس که همیشه بی نام است و از حق بر دل وی پیام است و بر زبان و دل او ذکر حق مدام است، و دنیا را دام است، و عقبی او را انتظام است، و از هر دو او را مولی تمام است (انصاری، ۱۳۶۵: ۳۰)»

۲-۴- تحلیل پیام های اخلاقی مناجات نامه

۱-۲-۴- اندیشه ی در مرکز بودن خداوند و مقابله با اندیشه ی سکولاریسم

یکی از مهم ترین مقوله های استخراج شده از مناجات نامه، اندیشه ی در مرکز بودن خداوند است. اندیشه ی در مرکز بودن خداوند، به وضوح در تمامی بخش های مناجات نامه آشکار است. این اندیشه عاملی است که باعث می شود انسان، هر آن چه غیر از خداوند را که در پیرامون قرار دارد ناچیز به حساب آورد. در واقع می توان این اندیشه خواجه را در مقابل انسان محوری های افراطی (اومانیسم) و سکولار شدن، که انسان را در محور همه ی امور قرار می دهد و نقش خداوند را نفی می کنند، دانست. اومانیسم نوعی جهان بینی فلسفی است که بر ارزش و عاملیت انسان در همه امور تأکید می کند و انسان را مقیاس همه چیز دانسته و وجود خداوند را انکار می کنند. خواجه عبدالله انصاری «همواره به معبود خود عشق ورزیده و این عشق ورزی باعث می شود که عبادت

خداوند برای وی مختص به مکان و زمان نباشد و وجود خداوند برای او همیشه حاضر و ناظر باشد و لحظه‌ای از خداوند غفلت نورد.

آنجا که عنایت خدایی باشد عشق آخر کار پارسائی باشد

آنجا که قهر کبریائی باشد سجاده‌نشین کلیسایی باشد (انصاری، ۱۳۷۱: ۱۵)

مست توام از باده و جام آزادم مرغ توام از دانه و دام آزادم

مقصود من از کعبه و بتخانه توئی ورنه ازین هر دو مقام آزادم (انصاری، ۱۳۷۱: ۱۶)

«الهی، ای کامکاری که دل دوستان در کنف توحید است و ای کارگذاری که جان بندگان در صدف تقدیر تو است، ای قهاری که کس را بتو حیل نیست، ای جباری که گردنکشان را با تو روی مقاومت نیست، ای حکیمی که روندگان تو را از بلای تو گریز نیست، ای کریمی که بندگان را غیر از تو دست آویز نیست، نگاه دار تا پریشان نشویم و در راه آر تا سرگردان نشویم (انصاری، ۱۳۷۱: ۲۳)»

«ای خداوندی که فلک و ملک را نگاهدارنده توئی، ای بزرگی که از ماه تا ماهی دارنده توئی، ای کریمی که دعا را نیوشنده توئی و جفا را پوشنده توئی، ای لطیفی که عطا را دهنده توئی و خطا را بردارنده توئی، ای یکتائی که در صفت جلال و جمال پاینده توئی، عاصیان را شوینده توئی و طالبان را جوینده توئی (انصاری، ۱۳۶۴: ۶۳)».

۲-۲-۴- قائل شدن برترین صفات برای خداوند

در مناجات‌های پرسوز و گداز خواجه عبدالله انصاری، صفاتی برای خداوند برشمرده شده که توجه به هر کدام از آنها می‌تواند برنامه‌ی کاملی در جهت ارائه‌ی اصول اخلاقی و فرهنگی باشد. به طور مثال وی خداوند را یکتای بی همتا، قیوم توانا، بر همه چیز بینا و... می‌داند. توجه بر صفت بینا بودن خداوند، سبب می‌شود که انسان «همواره خود را در چهارچوب نظارت خداوند بداند که همین امر می‌تواند عاملی باشد که انسان‌ها را از بسیاری از انحرافات اجتماعی دور می‌کند؛ زمانی که انسان خداوند را ناظر بر خود می‌بیند، در کوچکترین اعمال خود هم مراقبت می‌کند؛ بنابراین از بسیاری از لغزش‌ها و خطاها دوری می‌گزیند و توجه به این واقعیت که انسان

«همواره در محضر خداست و هیچ عمل انسانی، از خداوند پنهان نخواهد ماند، انسان را از بسیاری از آسیب‌های اجتماعی باز خواهد داشت. از آنجایی که این نظارت تنها بر عمل انسان صورت نمی‌گیرد، بلکه مهم‌تر از آن نظارت خداوند بر اندیشه‌ی انسان است، بنابراین با این اندیشه، انسان از بسیاری لغزش‌ها و وسوسه‌های فکری دور خواهد ماند.

«الهی یکتایی بی‌همتایی، قیوم توانایی، بر همه چیز بینایی، در همه حال دانایی، از عیب مصفایی، از شرک مبرایی، اصل هر دوائی، داروی دل‌هایی، شاهنشاه فرمانروایی، معزز بتاج کبریایی، بتو رسد ملک‌خدایی (انصاری، ۱۳۶۴: ۲۲)»

«الهی ای خالق بی‌مدد و ای واحد بی‌عدد، ای اول بی‌هدایت و ای آخر بی‌نهایت، ای ظاهر بی‌صورت و ای باطن بی‌سیرت، ای حی بی‌ذلت، ای معطی بی‌فطرت و ای بخشنده‌ی بی‌منت، ای داننده‌ی رازها، ای شنونده‌ی آوازا، ای بیننده‌ی نمازها، ای شناسنده‌ی نام‌ها، ای رساننده‌ی گام‌ها، ای مبرّاز عوایق، ای مطلع بر حقایق، ای مهربان بر خلائق، عذرهای ما بپذیر که تو غنی و ما فقیر و بر عیب‌های ما مگیر که تو قوی و ما حقیر (انصاری، ۱۳۷۱: ۲۲)»

«الهی در جلال رحمانی، در کمال سبحانی، نه محتاج زمانی، و نه آرزومند مکانی، نه کس به تو ماند و نه به کسی مانی، پیداست که در میان جانی، بلکه جان زنده به چیزی است که تو آنی (انصاری، ۱۳۶۴: ۲۳)».

۳-۲-۴- تفویض خواست و اراده خداوند برخواست خود

یکی دیگر از مقولات مطرح شده در مناجات‌نامه خواجه عبدالله، تفویض خواست خداوند برخواست خود است. خواجه عبدالله همواره اراده و خواست خداوند را برخواست خود برتر می‌داند که این امر به مثابه‌ی امری اخلاقی درخور توجه می‌باشد. مطلق دانستن اراده‌ی خداوند هیچ منافاتی با مختاربودن آدمی نخواهد داشت؛ بنابراین انسان با این اندیشه، در مواردی که از دامنه‌ی اختیارات او خارج است، نفع و ضرر را به اراده حق تعالی نسبت می‌دهد که در این صورت انسان به آرامش دورنی خواهد رسید. بر همگان آشکار است که در مسیر خودسازی مهم‌ترین عاملی

که می‌تواند انسان را به مسیر موفقیت بکشاند اراده‌ی قوی است؛ بنابراین زمانی که انسان اراده خود را تجلی از اراده و خواست خداوند می‌بیند با ناتوانایی‌ها مقابله کرده و با تقویت انگیزه، بر تمامی مشکلات فائق و غالب خواهد شد.

« الهی بهر صفت که هستم بر خواست تو موقوفم، به هر نامی که خوانند به بندگی تو معروفم، تا جان دارم رخت از این کوی بر ندارم، هر کس که تو آن اویی، بهشت او را بنده است و آن کس که تو در زندگانی او هستی زنده جاوید است (انصاری، ۱۳۶۴: ۵۵)»

«الهی! از آنچه نخواستی، چه آید؟ و آنرا که نخواندی کی آید؟ ناکشته را از آب چیست؟ و ناخوانده را جواب چیست؟ تلخ را چه سود اگر آب خوش در جوار است؟ و خار چه حاصل از آنکه بوی گل در کنار است (انصاری، ۱۳۷۱: ۱۸)»

«الهی! بنده با حکم ازل چون بر آید؟ و آنچه ندارد چه باید، جهد بنده چیست، کار خواست تو دارد، بنده به جهد خویش نجات خویش کی تواند؟ (انصاری، ۱۳۷۱: ۱۸)»

همچنین تأکید بر توکل مقوله‌ای است که خواجه عبدالله در راستای همین مبحث به طرح آن می‌پردازد. امروزه مشکلات و نابسامانی‌های بسیاری جوامع بشری را تهدید می‌کند. که اضطراب، افسردگی، نداشتن امید به آینده ... تنها مواردی از آنها است. در این شرایط نابسامان، یکی از مهم‌ترین راهکارهای که می‌تواند نجات بخش بشریت باشد، توکل بر خداوند است.

الهی! نام تو مارا جواز و مهر تو ما را جهاز
الهی فضل تو ما را لوا و کنف تو ما را مأوی
(انصاری، ۱۳۶۴: ۲۳)

«الهی! از جود تو هر مفلسی را نصیب است از کرم تو هر دردمندی را طیبی است از سعت رحمت تو هر کسی را بهره ایست از بسیاری بخشش تو هر نیازمندی را قطره ایست بر سر هر مؤمن از تو تاجی است در دل هر محب از تو سراجی است هر شیفته‌ای را با تو سروکاری است هر منتظری را آخر روزی شرابی و دیداری است (انصاری، ۱۳۶۴: ۵۳)»

۴-۲-۴- ملالت پیروی کنندگان از هوای نفس

خواجه عبدالله انصاری همواره به ملالت و سرزنش افرادی می پردازد که از شهوت و هوای نفس خود پیروی می کنند. پیروی از هوای نفس، عقلانیت انسانی را که مهم ترین خصیصه برای تمایز انسان از سایر موجودات است را از میان می برد. نفس جزئی از روح آدمی محسوب می شود که مدیریت قوایی مانند شهوت و جنبه های طبیعی را برعهده دارد که در برخی موارد به دلیل زیاده خواهی انسان، تمایل به لذت طلبی افراطی دارد که انسان را از مسیر درست زندگی دور خواهد کرد، بنابراین پیروی از هوای نفس، از آن جهت مذموم شناخته می شود که زمینه ساز انواع انحرافات عملی و اخلاقی است. این امر که کشش های نفسانی موجب انحراف انسانی می شود امری است که در قرآن، در قالب روایت ها و داستان های مختلف از جمله داستان رانده شدن آدم از بهشت و.. به آن اشاره شده است.

گر در شهوت هوی خواهی رفت از من خبرت که بینوا خواهی رفت (انصاری، ۱۳۷۱: ۱۵)
 «الهی! بنده را از سه آفت نگاه دار، از وساوس شیطانی و از هوای نفسانی و از غرور نادانی
 (انصاری، ۱۳۷۳: ۱۵)»

۵-۲-۴- تأکید بر خداشناسی و خودشناسی

از دیگر مقوله های مطرح شده در مناجات نامه خواجه عبدالله انصاری توجه به شناخت خداوند است. شناخت خداوند، یکی از عوامل سعادت بشری است. از نظر خواجه عبدالله، رسیدن به شناخت خداوند به عنوان امانی برای انسان است. وی به حدی از شناخت خداوند نائل شده بود که خود را در برابر خداوند بسیار ناچیز می دانست و در راز و نیازهای خود با خداوند اشاره می کند که «فقط تو می توانی خود را بشناسی» که این نشان از عمق شناخت وی دارد که به قدری به عظمت خداوند پی برده است که خود را از شناخت خداوند عاجز می بیند.

«الهی! شناخت تو ما را امان و لطف تو ما را عیان (انصاری، ۱۳۷۱: ۱۷)»

«الهی هر که تو را شناخت و علم مهر تو افراخت هر چه غیر از تو بود بینداخت

(انصاری، ۱۳۶۴: ۲۴)»

«الهی هر که تو را شناخت کار او باریک و هر که تو را نشناسد راه او تاریک، تو را شناختن از تو رستن است و به تو پیوستن و از خود گذشتن است (انصاری، ۱۳۶۴: ۲۴)»

«الهی جز از شناخت تو شادی نیست و جز از یافت تو زندگانی نه، زنده بی تو چون مرده‌ای است زندانی و زنده به تو زنده‌ی جاودانی است (انصاری، ۱۳۶۴: ۴۸)»

در کنار خداشناسی، خود شناسی مقوله‌ای دیگری است، که خواجه عبدالله در یکی از گفت-گوهای خود با خداوند به از خود بی خود شدن اشاره دارد که به معنی یافتن حقیقت در خود است؛ اشاره دارد برای رسیدن به وجود خدا انسان در ابتدا نیازمند شناخت خود می باشد و انسان در صورتی که وجود خود را صیقل کند و آینه صفت شود می تواند به خداشناسی برسد.

در راه خود اول ز خودم بی خود کن
بی خود چو شدم ز خود به خود راهم ده
(انصاری، ۱۳۶۴: ۲۲)

«الهی روزگاری تو را می جستم و خود را می یافتم، اکنون خود را می جویم و تو را می یابم
(انصاری، ۱۳۶۴: ۷۲)»

۶-۲-۴- تأکید بر تواضع و فروتنی

یکی دیگر از پیام‌های ملموس و محسوس خواجه عبدالله انصاری در مناجات نامه تواضع و فروتنی است. تواضع عبارتست از اینکه آدمی رفتارهای مبتنی بر احترام با دیگران دارد و در مقابل دیگران شکست نفسی می کند. زمانی که انسان فروتن باشد، این احساس که همچنان باید در مسیر تکامل گام بردارد و نیاز به پیشرفت دارد در وجود وی پدیدار خواهد شد که همین عامل می تواند یکی از مؤلفه‌ها برای پیشرفت فرهنگ باشد.

شرط است که چون مرد ره درد شوی
خاکی تر و ناچیزتر از گرد شوی

هر کاو ز مراد کم کند مرد شود
کم کن الف مراد تا مرد شوی (انصاری، ۱۳۷۱: ۱۶)

«الهی! من کیم که ترا خواهم چون من از قیمت خویش آگاهم (انصاری، ۱۳۶۴: ۴۰)»

«الهی! من تو را چون جویم که در ملکوت تو کمتر از تار مویم (انصاری، ۱۳۷۱: ۹۷)»

۷-۲-۴- تأکید بر توبه پذیر بودن خداوند

تأکید بر توبه پذیر بودن خداوند یکی دیگر از مقولاتی است که خواجه عبدالله در قالب الفاظی بسیار زیبا آن را مطرح می کند. خواجه عبدالله خداوند را بیننده ی نمازها، پذیرنده ی نیازها و عذرها می داند و «همواره کرم خداوند را پاینده و او را داور بخشنده می داند.

ای واقف اسرار ضمیر همه کس در حالت عجز دستگیر همه کس
از هر گنهم توبه ده و عذر پذیر ای توبه ده و عذر پذیر همه کس

(انصاری، ۱۳۶۴: ۳۸)

بادا کرم تو بر همه پاینده احسان تو سوی بندگان آینه
بربنده ی خود گناه را سخت مگیر ای داور بخشنده ی بخشاینده

(انصاری، ۱۳۶۴: ۳۸)

« ای آرنده ی غم پشیمانی در دلهای آشنایان و ای افکنده ی سوز در دل تائبان، ای پذیرنده ی گناهکاران و معترفان، کسی بازنماید تا باز نیاوردی و کسی راه نیافت تا دست نگرفتی، دستگیر که چون تو دستگیر نیست، دریاب که جز تو پناه نیست و پرسش ما را جز تو جواب نیست و درد ما را جز تو دوا نیست و از این غم جز تو ما راحت نیست (انصاری، ۱۳۶۴: ۵۸)».

۵- نتیجه گیری

افکار بلند خواجه عبدالله انصاری و تحلیل اندیشه های وی در جوامع مدرن و پست مدرن، عرصه ای را فراهم می کند که می تواند چراغی برای مباحثه ها و گفتگوها در سطوح اخلاقی و فرهنگی باشد. هر چند که خواجه عبدالله انصاری در مناجات نامه پیام های اخلاقی متعدد و کم نظیری را مطرح و بر رعایت آنها در راستای سعادت انسان ها تأکید می نماید، اما مهمترین پیام های فرهنگی مناجات نامه خواجه عبدالله عبارتند از: تأکید بر محبت و نگاه همدلانه به دیگر انسان ها، نکوهش دنیا و پیامدها و آسیب های اجتماعی و فرهنگی ناگوار دنیا پرستی، صبر و بردباری در مواجهه با سختی های زندگی، مذمت جاه طلبی به عنوان یک عمل مذموم و غیر

انسانی، توکل به خداوند به عنوان مأمنی برای احساس آرامش انسان، تواضع و فروتنی و توبه پذیر بودن خداوند. لذا چنانچه این موارد در فرهنگ جامعه ریشه بدوانند و به ارزش ها و باورهای غالب آحاد جامعه تبدیل شوند حداقل اثری که بر جای خواهند گذاشت بالابردن سطح توانمندی افراد در مواجهه با مشکلات موجود می باشد و در حالت ایده آل می تواند زمینه ساز سعادت بشر و جوامع بشری باشند.

References

- Ansari.A .1993. The statements of Pir Harat Khajeh Abdolah Ansari., Iran.Tehran. Pocket books publication.
- Ansari.A .1992.Monajatnameh, Including articles and interpolations with corrections and attachments, By Hamed Rabbani.Iran.Tehran.Ganjineh publication.
- Ansari.A .1985.Monajatnameh, with correcting and collationing the most authoritative manuscripts and prints,By Esmaeil Shahroodi, Iran.Tehran.Fakhre Razi publication.
- Barry, J. (1995). Literacy and literature in popular culture: reading and writing in historical perspective. In *Popular Culture in England, c. 1500–1850* (pp. 69-94). Palgrave, London.
- Beiranvand ,N.Aryan, H & Sazmand ,F.2017. Mystical analysis of poverty and richness from a mystical point of views of Khajeh Abdolah Ansari and Molana.Erfan Eslami Quarterly, Volume 13, Number 52.
- Bengtsson, M. (2016). How to plan and perform a qualitative study using content analysis. *NursingPlus Open*, 2, 8-14.
- Dooley, K. J. (2016). Using manifest content analysis in purchasing and supply management research. *Journal of Purchasing and Supply Management*, 22(4), 244-246.
- Ebrahimian .H & Seyedalizadeh Gangi.J.2016. The importance and necessity of morality in the Contemporaneously, The Second International Conference on Humanities with an Indigenous Islamic Approach and with Emphasis on New Research,Iran,Behshar. Scientific Research Company of Baran Andishe.
- Elo, S., & Kyngäs, H. (2008). The qualitative content analysis process. *Journal of advanced nursing*, 62(1), 107-115
- Jalalat, F.Nasiri ,L & Nasiri ,S.2016. Content and rhetorical review Khajeh Abdolah Ansari,s Monajatnameh and Elahinameh Hasanzadeh Amoli.

- International Congress of Language and Literature. Iran, Torbat Heydariyeh, Torbat Heydariyeh University.
- Karami, N. 2017. The Comparative study of Khajeh Abdoloh Ansari, s Monajatnameh and Ger Goar Narkatski, s Faghannameh. The Second National Conference on the Recognition of Khorasan Celebrities and Honors in Persian Literature.
- Khameni .A. 2003. visions of the Islamic Republic of Iran on the horizon of 1404 AH.
- Moosavi Faraz. M. 2015. Compare views of Khajeh Abdoloh Ansari and the Holy Benedict About asceticism and forsaking sin. Quarterly of Marefat, Volume 24, Number 211.
- Oghadaee ,T. 2015. Interaction of language and meaning in the Khajeh Abdoloh Ansari Mohabatnameh treatise Erfan Eslami Quarterly, Volume 11, Number 43.
- Soldatenko, D., & Backer, E. (2019). A content analysis of cross-cultural motivational studies in tourism relating to nationalities. *Journal of Hospitality and Tourism Management*, 38, 122-139.
- Yoosofi ,Sh & Mahdizade M. 2004. Mysticism: A bridge between cultures, Commemoration of Professor Anne-Marie Schimmel. Iran. Tehran, Humanities Research and Development Institute Publications.

منابع (به زبان اصلی)

- ابراهیمیان، سید حسین و سید جواد سیدعلیزاده گنجی (۱۳۹۵). اهمیت و ضرورت اخلاق در عصر کنونی، دومین کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی با رویکرد بومی اسلامی و با تأکید بر پژوهش‌های نوین، بهشهر، شرکت علمی پژوهش باران اندیشه.
- انصاری، خواجه عبدالله (۱۳۷۱). مناجات نامه خواجه عبدالله انصاری، با انضمام مقالات و مقامات با تصحیح و ترتیب و پیوست، به کوشش حامد ربانی، تهران نشر گنجینه.
- انصاری، خواجه عبدالله (۱۳۶۴). مناجات نامه خواجه عبدالله انصاری عارف قرن چهارم هجری، با تصحیح و مقابله معتبرترین نسخه‌های خطی و چاپی، تصحیح اسمعیل شاهرودی، تهران، فخر رازی.
- انصاری، عبدالله بن محمد (۱۳۶۵): سخنان پیر هرات خواجه عبدالله انصاری، تهران، کتابهای جیبی.
- بیرانود نسرین؛ حسین آریان و فهیمه سازمند (۱۳۹۶). تحلیل عرفانی فقر و غنا از دیدگاه عرفانی خواجه عبدالله انصاری و مولانا، عرفان اسلامی (ادیان و عرفان)، دوره ۱۳، شماره ۵۲.

- جلالت، فرامز؛ لیلا نصیری و سجاد نصیری (۱۳۹۵). بررسی محتوایی و بلاغی مناجات نامه عبدالله انصاری و الهی نامه حسن زاده آملی، کنگره بین المللی زبان و ادبیات، تربت حیدریه، دانشگاه تربت حیدریه.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۲). چشم اندازهای جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی.
- عقدایی، تورج (۱۳۹۴). تعامل زبان و معنا در رساله محبت نامه‌ی خواجه عبدالله انصاری، عرفان اسلامی، دوره ۱۱، شماره ۴۳.
- کریمی، نجمه (۱۳۹۶). بررسی تطبیقی مناجات نامه خواجه عبدالله انصاری و فغان‌نامه گرگوار ناکاتسکی، دومین همایش ملی بازشناسی مشاهیر و مفاخر خراسان در ادب پارسی.
- موسوی فراز، سید محمد رضا (۱۳۹۴). مقایسه دیدگاه خواجه عبدالله انصاری و بندیک قدیس درباره‌ی زهد و ترک گناه، فصلنامه معرفت دوره ۲۴، شماره ۲۱۱.
- یوسفی‌فر، شهرام و یا محمدرضا مهدیزاده (۱۳۸۳). عرفان: پلی میان فرهنگ‌ها بزرگداشت پروفیسور آنه ماری شیمیل، تهران، انتشارات مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.

- Dooley, K. J. (2016). **Using manifest content analysis in purchasing and supply management research.** *Journal of Purchasing and Supply Management*, 22(4), 244-246.
- Soldatenko, D., & Backer, E. (2019). **A content analysis of cross-cultural motivational studies in tourism relating to nationalities.** *Journal of Hospitality and Tourism Management*, 38, 122-139.
- Bengtsson, M. (2016). **How to plan and perform a qualitative study using content analysis.** *NursingPlus Open*, 2, 8-14.
- Barry, J. (1995). **Literacy and literature in popular culture: reading and writing in historical perspective.** In *Popular Culture in England, c. 1500–1850* (pp. 69-94). Palgrave, London.
- Elo, S., & Kyngäs, H. (2008). **The qualitative content analysis process.** *Journal of advanced nursing*, 62(1), 107-115